

درآمدی بر فهرست‌نویسی کتاب‌های خطی

رضا خانی‌پور^۱

چکیده: کتاب‌های خطی، جزئی ارزشمند از میراث گرانسنگ این مرز و بوم هستند که دانشمندان و هنرمندان اعصار گذشته، از خود به یادگار گذاشته‌اند. گاهی تلفیق عمل این دو طبقه موجب پدید آمدن آثار منحصر به فردی گشته است. درک و شناخت ظاهری و محتوایی نسخه‌های خطی از اهمیتی والا برخوردار می‌باشد. مقاله حاضر بر آن است تا اجمالاً به بحث فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در دو بخش نسخه‌شناسی و کتابشناسی بپردازد و از منظری نو به این مهم نگاه کند.

مقدمه

کتاب‌های خطی همواره از نقش و جایگاهی والا و ارزشمند در نزد ملل و نحل برخوردار بوده‌اند. شاید بتوان ادعا نمود که گنجینه کتاب‌های خطی - بالاخص کیفیت و کمیت نسخه‌های موجود در آن - در کتابخانه‌های مشهور و معتبر دنیا، حتی در ارزش‌گذاری کل مجموعه مواد کتابخانه‌ای نقشی سزاوار تأمل دارند.

از دیرباز کار استنساخ کتاب‌های خط نیز امری بسیار مهم تلقی می‌شد. بطوری‌که: "در عصر تیموریان چه در تختگاه هرات و چه در دیگر شهرهای ایران، چون ماوراءالنهر و فارس و تبریز شبکه‌های رسمی به لحاظ نسخه‌نویسی ایجاد شده بود که کار اعضای این شبکه‌ها استنساخ و کتابت و تذهیب و تزئین نسخه‌هایی از نگاشته‌های دانشمندان بود، به‌طوری که در این دوره، صدها بل چند هزار نسخه فراهم آمد که بعضی از آنها به اعتبار هنر نسخه‌آرایی از نفایس مخطوطات اسلامی به شمار می‌روند"^(۱).

علوم و معاریف به‌جای مانده توسط دانشمندان از متفقهان، متکلمان، محدثان، مورخان،

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی و فهرست‌نویس کتاب‌های خطی کتابخانه ملی ایران.

حکیمان، هنرمندان، ادبا و... در واقع بستر و زمینه‌ای شایسته است که نسل‌نو براساس آن می‌بایست دانش جدید و پیشرفت‌های تمدن خود را استوار نماید. البته در این ارتباط تعامل ملل و فرهنگ‌ها و استفاده بهینه از دستاوردهای دیگران، امری اجتناب‌ناپذیر، بلکه ضروری است. گنجینه‌های کتاب‌های خطی در جای جای کشور ما از جمله موارث ذیقیمتی هستند که باید بیش از پیش بدان توجه نمود و با شناسایی و معرفی دقیق‌تر و عمیق‌تر، راه‌های انتقال محتوای آنها را بر دیگران هموارتر ساخت و از این رهگذر در مسیر تجدید حیاتشان گام‌های مؤثرتری برداشت.

با مطالعه و بررسی‌های تاریخی، می‌تون اظهار نمود که ایرانیان در بعضی از حوزه‌های علمی و هنری، پیشگام، صاحب سبک، دارای ابداع و ذوق خاص و منحصر به فرد بوده‌اند. در زمینه کتاب و کتاب‌آرایی می‌توان به حرف تجلید، کاغذسازی، تذهیب، تشعیر، قطاعی، عکاسی^۱، خوشنویسی و... اشاره نمود که این قوم در بعضی مبدع و واضح و در برخی دیگر صاحب ابتکار و ذوق خاص و شیوه یا اسلوب بوده‌اند^(۲).

عامل مهمی که نگارنده را بر آن داشت تا با قلم قاصر و بضاعت مُزجات خویش در زمینه کتاب‌های خطی، سطری چند رقم زند این بود که طی چندین سال کار تلمذ و ارتباط با نسخه‌های خطی و علاقه در این حوزه، با مراجعانی - حتی در سطح فوق لیسانس و دکتری - برخورد می‌نمودم که متأسفانه صرفاً جهت تکمیل کار پایان‌نامه خود، به فهرست‌ها و سپس نسخه‌های خطی رجوع می‌کردند؛ آن‌هم آنقدر ناقص و محدود که احساس می‌کردم حق آنها و پدیدآورندگانشان به درستی اداء نمی‌شود و در حقیقت این میراث گرانقدر مورد تظلم واقع می‌گردد. البته این نکته قابل انکار نیست که تعدادی انگشت شمار از مراجعان، به‌خاطر علاقه شخصی یا کارهای انفرادی و جمعی پژوهش از این کتاب‌های خطی در مقیاسی جدی‌تر و وسیع‌تر بهره‌مند می‌شدند، لیکن شمار این دسته از افراد به‌قدری ناچیز بود که آن تأسف به‌قوت خود باقی می‌ماند.

علل و عوامل فراوانی در این فرآیند قابل جست‌وجو و تحقیق است که بحث در مورد آنها از حوصله این گفتار خارج می‌باشد؛ اما این موارد به‌صورت فهرست‌وار قابل ذکر است:

ضرورت استفاده از آثار اسلامی؛ تأملی بر تطابق پیشرفت‌های شگرف در عرصه علم و فن‌آوری نوین با علم و هنر بر جای مانده از قدما؛ ضرورت دستیابی به اطلاعات سریع، کافی، و

۱. قبل از اختراع فن عکاسی نوین، عکاسی به هنر یا فنی اطلاق می‌شد که با آن حواشی بعضی کتاب‌ها و رسالات را می‌آراستند. روش کار به این شکل بود که نقوش مورد نظر را در متنی از مقوا طراحی می‌کردند و می‌بردند. سپس آنها را روی متن یا صفحه اصلی می‌انداختند و با الوان مختلف روی الگو رارنگ می‌کردند.

مرتبط در زمینه موجودیت‌مان در حوزه کتاب‌های خطی؛

بحث جامعیت درونی نسخه‌های خطی در زمینه‌های گوناگون کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی و لزوم آشنایی اجمالی محققان و پژوهشگران جوان با آنها؛ آموزش‌های صحیح، یک‌دست، متحول شده و کارآمد و مطابق با نیازهای امروزی در حوزه نسخه‌های خطی؛ برخورد نسخه‌داران، گنجینه‌داران و کتابداران قدیمی با مراجعان؛ لزوم ایجاد روحیه صبر، حوصله و استقامت - که لازمه کار با نسخه‌های خطی است - و کسب تجربیات علمی و عملی توسط پژوهشگران جوان در عرصه فعالیت‌های تحقیقی و کار روی کتاب‌های خطی؛ فرآیند شناسایی، فهرست‌نویسی و عرصه کتاب‌های خطی؛ تمایزات خاص کتاب‌های خطی با کتاب‌های چاپی در نحوه فهرست‌نویسی و استفاده از آنها؛ سبک و سیاق خاص فهرست‌نویسی کتاب‌های خطی و عدم ایجاد ارتباط و پیوندی قوی میان اکثریت نسل حاضر با آن؛ کم‌توجهی و کم‌مهری، غرابت و بیگانگی بیشتر نسل جوان با کتاب‌های خطی و رابطه آن با میزان بسیار کم مطالعه در کل جامعه تحصیلکرده و...

پژوهش در زمینه‌های فوق‌الذکر شاید بتواند در جهت حل مشکل عدم ارتباط عمیق و تنگاتنگ نسل جوان با پیشینه پربار خود، راهگشا باشد. نسلی که گاهی متأسفانه در عرصه‌های گوناگون علمی و فرهنگی ما مقهور و مغلوب بیگانه است؛ دست خود را برای هرگونه ابتکار، خلاقیت و نوآوری می‌بندد و در بعضی شئون، پیشرفت‌هایی متناسب با منزلت و نیازهایش ندارد. در پاره‌ای موارد واردکننده تئوری‌ها و نظریات یا علمی است که حتی زحمت دخل و تصرف و بحث و فحص در جهت کاربردی کردن آنها را به خود نمی‌دهد؛ غافل از این‌که اصل و منشاء بسیاری را می‌تواند در دل فرهنگ و تاریخ کهن خود بیابد.

در زمین دیگران خانه مکن کار خود کن، کار بیگانه مکن

با غور و بررسی در تاریخ و نیز آثار به‌جای مانده اسلاف این سرزمین مکشوف می‌شود که ایرانیان در پاره‌ای از فنون که در کتاب و کتابت نقش مستقیم داشته، سرآمد بوده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان به خوشنویسی - که فصلی مهم از کار نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی - محسوب می‌گردد اشاره نمود. امروزه به جهت کاربرد بسیار بعضی از انواع اقلام سته، همچون نسخ و ثلث در زبان عربی، تصور برخی آنست که اصل و ریشه آنها از اعراب باشد. حتی گاهی به غلط در بعضی از کتاب‌ها به آنها خط عربی اطلاق می‌شود. حال آنکه "ابن مقوله بیضاوی شیرازی" اولین شخصی بود که در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم اقلام سته را از خط کوفی استخراج نمود و برای خطوط ثلث و نسخ قواعدی خاص وضع کرد^(۳). در واقع وضع قواعد و اصول این خطوط را باید مقدمه تکامل هنر خوشنویسی دانست.

نمونه دیگر هنر جلدسازی است که به دست با کفایت هنرمندان ایرانی در ادوار گوناگون به اوج استحکام و زیبایی رسید و انواع جلدهای به جای مانده از قبیل ضربی، سوخت، روغنی، معرق و... نشانگر و معرف توان بالای این هنرمندان می باشد (۴).

از دیگر هنرهایی که در کتاب آرایبی نقشی به سزا دارد، تذهیب و آذین است که در حواشی صفحات، میان سطور و حتی زینت بخشیدن جلد از آن استفاده می شود. پیشینه تذهیب در ایران به دوره ساسانی می رسد. پس از ورود و نفوذ اسلام در ایران، این هنر در اختیار حکومت های اسلامی قرار گرفت. این هنر والا و اصیل در سیر ایام و ادوار، گاه از بالندگی باز ایستاد، اما به همت مذهببان عاشق و بعضاً گمنام، دگر بار، پویایی خود را به دست آورد. در دوره سلجوقی، آرایش قرآن ها، کتاب های دعا، ابزار و ادوات، ظرف ها، خود یک حرفه مهم محسوب می شد. این هنر در دوره تیموری به اوج رسید و زیباترین آثار در همین دوره به وجود آمد. در دوره صفوی نیز آثار ارزشمندی از نقاشی، تذهیب و خوشنویسی، در خدمت هنر کتاب آرایبی، پدید آمد که اکنون بعضی دستخوش حوادث گشته و فقط نامی از آنها باقی است، و برخی دیگر زینت بخش موزه های ایران و جهان است (۵).

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد

درس های اخلاقی

آخرین مطلبی که ذکرش در قسمت مقدمه خالی از لطف نیست، درس های اخلاقی و بژه های می باشد که گاهگاه در لابه لای صفحات نسخه های خطی دیده می شود و انسان با مطالعه آن با خصوصیات اخلاقی و فکری مؤلفان، کاتبان، مالکان و... آشنا می گردد. دو نمونه از این گونه گفتارها ذیلاً مذکور است:

الف. بعضی از مؤلفان یا کاتبان کتاب های خطی به مسئله فانی بودن دنیا و عدم توجه صرف به آن، این گونه اشاره نموده اند که: "سببقی خطوطی و کُنت تراباً فیا ناظراً فیه قُل لی دُعائی"^۱.
ب. در این که مالک مطلق خداست و مالکیت ما پایدار نیست، این گونه یادداشت ها فراوان دیده می شود که: "کیف اقول هذا ملکي و لله ملک السموات و الارض"^۲

۱. ترجمه: خطوطم (آثارم) باقی خواهد ماند در حالی که خودم فانی می شوم. پس ای کسی که بدان ها می نگری مرا به خاطر آور و برایم دعا کن.

۲. ترجمه: چگونه بگیریم (ادعا کنیم) این [کتاب] متعلق به من است، و حال آنکه مالکیت آسمان ها و زمین از آن خداست.

فهرستنویسی کتاب‌های خطی

از جمله عواملی که پیشتر بر شمردیم مسئله فهرستنویسی کتاب‌های خطی می‌باشد که به دلیل سبک و سیاق، ظرایف و پیچیدگی‌های خاص خود؛ باعث به وجود آمدن نوعی فاصله و گسیختگی میان نسل امروز - کتابدار و غیرکتابدار - با آثار گذشتگان شده و روند استفاده بهینه آنان از محتوای ارزشمند کتاب‌های خطی را گاهی با مشکل مواجه می‌سازد.

آشنایی با شاخص‌هایی که فهرستنویسی نسخه‌های خطی را - علی‌رغم داشتن اهدافی مشترک با فهرستنویسی کتاب‌های چاپی - از فهرستنویسی کتاب‌های چاپی متمایز می‌کند، قدمی مهم در جهت نزدیک‌تر شدن و بیشتر بهره گرفتن از آثار قدماست، بعضی از ویژگی‌های مهم و اساسی در این بخش به اختصار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. باشد که در آگاهی و شناخت بیشتر و مؤثرتر نسل جوان بالاخص کتابداران، مفید واقع شود.

۱. استفاده از هنرهای مختلف و متنوع در خلق آثار خطی

در امر فهرستنویسی کتاب‌های خطی، مرقعات و گاهی در اسناد و مدارک از منظر نسخه‌شناسی - به مواردی برمی‌خوریم که هر یک دارای جامعیت و گستردگی منحصر به خود هستند و طی ادوار و قرون متمادی به پیچیدگی‌ها، ظرایف و کاربردها افزوده شده و با تاریخ فرهنگ و هنر ما عجین گشته‌اند. فهرستنویس کتاب‌های خطی باید انواع و اقسام گوناگون هنرهای به کار گرفته شده را بشناسد و قادر باشد آنها را به نحوی مجمل و شایسته به کاربر معرفی نماید. اگرچه در صورت شناخت عمیق‌تر و وسیع‌تر مجاز و مطلوب است سبک و سیاق آن هنر خاص را نیز ذکر کند.

ممکن است گفته شود چه لزومی دارد که به عنوان مثال سبک‌های تذهیب از قبیل مکتب‌های خراسان، اصفهان، تبریز و... ذکر گردد؟ یا این‌که چه ضرورتی احساس می‌شود که کاغذهای گوناگون، همچون سمرقندی، خانبالغ، بخارائی، ترمه، دولت‌آبادی، اصفهانی، فرنگی و... بیان شود؟ آیا این موارد ارتباطی با موضوع و محتوای کتاب دارد؟ آیا ذکر این ویژگی‌ها موجب سردرگمی کاربر و پیچیدگی کار نمی‌شود؟ و سؤالاتی از این دست.

اگر بخواهیم به این‌گونه پرسش‌ها پاسخ دقیق و کامل بدهیم، مثنوی هفتاد من می‌شود، اما اجمالاً این‌که: اولاً ممکن است مراجعه‌کننده ما وابسته یا علاقه‌مند و دلبسته به یکی از حوزه‌های هنری از قبیل نقاشی، تذهیب، شعر، جلدسازی، خوشنویسی و مانند آن باشد و بخواهد در این زمینه‌ها پژوهش نماید؛ یا سیر تطور و تحول سبک‌های خاص ادوار را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. اینجاست که فهرستنویسی کتاب‌های خطی می‌تواند پاسخ‌گوی این

بخش از نیازهای مراجعانش هم باشد.

ثانیاً: در وهله نخست شاید این‌گونه به ذهن متبادر شود که هیچ رابطه‌ای میان محتوای کتاب با جلد، تذهیب، یا خط آن وجود ندارد، بنابراین ضروری نمی‌نماید که فهرست‌نویس این نکات را مد نظر داشته باشد و ذکر کند. اما حقیقت امر چیز دیگری است؛ بسیاری از کتاب‌های خطی وجود دارند که آغاز و انجام آنها دستخوش حوادث طبیعی گشته‌اند و مفقود شده‌اند، لذا ممکن است نامی از مؤلف، کاتب، شارح یا سایر پدیدآورندگان کتاب یافت نشود؛ حال کار واقعی فهرست‌نویس کتاب‌های خطی - و اتفاقاً قسمت جذاب و شیرین کار - آغاز می‌شود. یعنی فهرست‌نویس با توجه و امعان نظر در شواهد و قرائن که از فیزیک ظاهری کتاب و محتوای آن به دست می‌آورد، نوعی بازسازی تاریخی را در ذهن خود شکل می‌دهد و با عنایت به موضوع مورد بحث، سبک و سیاق نگارش، نوع خط، نوع جلد، تذهیب، کاغذ و موارد متعدد دیگر، چه‌بسا بتواند مؤلف، کاتب، تاریخ احتمالی تألیف یا کتابت و مسائلی از این دست را تشخیص دهد. اینجاست که ارزش کار مکشوف می‌شود و فهرست‌نویس با بهره‌گیری از خلاقیت، هوش، مطالعات تاریخی، هنری و... مواردی را کشف می‌کند و پرده‌ای از اسرار نهفته در این کتاب‌های قدیمی را کنار می‌زند. در این کار لذتی است که تا شخص مستقیماً وارد عمل نشود قابل درک یا انتقال نیست. البته کمیت و کیفیت این بخش در فهرست‌نویسان کتاب‌های خطی یکسان نیست و بستگی به تجربه، دانش، ابتکار، و خلاقیت آنها دارد.

ثالثاً: کتاب‌های خطی، آثاری از مرقعات، طومارها، اسناد و همانند آن موجود می‌باشد که پدیدآورندگان آنها به علل گوناگون از جمله تواضع، تقیه، ترس و... نام خود را متذکر نشده‌اند یا در نام آنان بعدها دخل و تصرف شده و از بین رفته است، که فهرست‌نویس با تجربه گاهی می‌تواند با کمک گرفتن از موارد فوق‌الذکر، نام این افراد بی‌مدعا و گمنام را احیاء نماید و در صورت انجام این کار، حقوق از دست رفته‌شان تا حدودی با معرفی و شناسایی آثار ارزشمند آنها، ایفاء می‌گردد.

۲. ویژگی‌های نسخه‌های خطی

مواردی است که در واقع بخشی از وجه تمایز و نقاط افتراق میان فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی با کتاب‌های خطی محسوب می‌شوند و با کمیت‌ها و کیفیت‌های گوناگون توسط فهرست‌نویسان کتاب‌های خطی در معرفی نسخه‌ها، ذکر می‌گردند. ویژگی‌های که کلاً یا بعضاً در نسخه‌های خطی ممکن است وجود داشته باشند، عبارتند از:

الف. جلد؛ شامل انواع جلدهای سوخت، روغنی، معرق، ضربی، تیماج، میشن، مرغش،

ساغری و غیره. که بعضی دارای انواعی اخص و مکتب‌های‌هایی ویژه هستند. از جمله مثلاً در جلد‌های روغنی می‌توان به سبک‌های شیراز، اصفهان، خراسان، تبریز، ترکی، کشمیری و بغدادی اشاره نمود.

از منظر حجم و اندازه، جلد‌ها را می‌توان به قطع بازو بندی، بغلی، جانمازی، حمایلی، رقعی، وزیری، خشتی، سلطانی، رحلی و... تقسیم‌بندی نمود. البته گاهی در تاریخ سراغ داریم که جلد کهنه، تعویض یا ترمیم شده است و نسخه‌شناس باید بدان توجه کند. چنان‌که مشهور است ("ابن‌البواب" پس از نوشتن یک پاره از قرآن مجید به شیوه "ابوعلی ابن مقله" آن را با جلدی کهنه که از نسخه‌های دیگر جدا ساخته بود، تجلید کرده بود، به‌طوری که جلد مذکور از جلد‌های بیست‌ونه پاره دیگر - که به خط ابن مقله بوده و همزمان با او جلد شده بود - ممتاز نمی‌شد) (۶).
 ب. خوشنویسی؛ شامل انواع متنوع از خطوط متداول و غیر رایج که مهم‌ترین آنها عبارتند از: خطوط کوفی، ثلث، نسخ، ریحان، رقاع، محقق، توقیع، نستعلیق، تعلیق، شکسته نستعلیق و دیوانی؛ که هر کدام دارای شیوه‌های خاص خود می‌باشند. مثلاً در نسخ شیوه‌های ایرانی، هندی، ترکی، و مصری برای اهل فن قابل تفکیک و تمیز است.

براساس نوع خط، شیوه‌نگارش، میزان پختگی آن و مواردی از این دست می‌توان سال تحریر آن را به‌طور تقریبی حدس زد. از نقطه‌نظر اندازه قلم نیز این خطوط از "غبار"، تا "کتیبه" می‌تواند درجه‌بندی شود، اما معمول در کتاب‌های خطی اندازه‌های قلم خفی، متوسط، جلی می‌باشد، که گاهی نیز براساس دانگ قلم متمایز می‌شوند.

ج. تذهیب، ترصیع، تشعیر، حل‌کاری، افشان‌گری، تحریر، عکاسی، قطاعی، جدول، رنگه‌نویسی، کمند، سرلوح، کتیبه، شمشه، شرفه، تونج، سرتونج، نیم‌تونج، لچکی و... از جمله هنرهایی هستند که مستقلاً یا متفقاً در تزئینات کتاب‌های خطی استفاده می‌شوند. فهرست‌نویس باید این موارد را بشناسد و در بخش توضیح تزئینات نسخه، آنها را متذکر شود. مقوله‌های یاد شده هر کدام دارای ویژگی‌ها و خصوصیات فنی و اخص نیز می‌باشند که ذکر همه آنها ضروری نیست، اما در صورت تشخیص، به کامل‌تر شدن این قسمت کمک خواهد کرد. به‌عنوان مثال در شرح تذهیب یا مجالس نقاشی مهم‌ترین دوره‌ها عبارتند از: دوره صدر اسلام، دوره سلجوقی، مغول، تیموری، صفوی، افشار، زند و قاجار، و از مکتب‌های‌های مشهور هنری خاص ایرانی می‌توان به مکتب‌های شیراز، اصفهان، تبریز، هرات، بخارا و بغداد اشاره نمود. همچنین گاهی تزئینات و حتی کتابت نسخه‌های خطی فارسی در خارج از ایران انجام شده است که سبک‌های هندی، چینی، ترکی، ترکستانی، عربی، مصری و مغربی از این گروه محسوب می‌شوند (۷).

د. کاغذ؛ صنعت ساخت کاغذ خود مقوله‌ای وسیع و گسترده است که با امعان نظر در

تاریخچهٔ پیدایش این فن و ذوق و سلیقه ایرانیان در آن، بیشتر می‌توان به ارزش کار هنرمندان خلاق و بعضاً گمنام این مرز و بوم پی‌برد. بحث تاریخی در این ارتباط از حوصلهٔ مقاله حاضر خارج است، اما ذیلاً به مشهورترین انواع کاغذهای استفاده شده در کتاب‌های خطی اشاره می‌شود: کاغذهای خانبالغ، ختائی، سمرقندی، بغدادی عادلشاهی، کشمیری، ونیزی، مصری، دولت آبادی، بخارائی، ترکی، ترمه، اصفهانی، فرنگی و...

انواع گوناگون و متنوع کاغذها با توجه به ویژگی‌هایی همچون الیاف آن، مقاومت، صافی، زبری، ضخامت، نرمی و انعطاف، تردی و شکنندگی و مواردی از این دست، قابل شناسایی است.^(۸)

ه. مهرها، یادداشت‌های تملک، وقف و...

در مهرها گاهی از هنرهای خاص همچون تذهیب و خوشنویسی به نحوی هماهنگ و مطلوب استفاده شده است. خطوط به کار رفته در مهرها متفاوت است، اما از مشهورترین و معمول‌ترین آنها می‌توان به خطوط طغری، ثلث، نسخ، نستعلیق و شکسته نستعلیق اشاره نمود. سبک و شیوهٔ نگارش و تحریر آنها با کتابت عادی کاملاً متفاوت است و به اشکال مسجع و با ترکیب‌بندی‌هایی خاص دوائر، کشیده‌ها، نیم‌مدها و سوار شدن حروف بر یکدیگر نوشته شده‌اند. قرائت بعضی از این مهرها و یادداشت‌ها به دلیل ویژگی‌های ذکر شده، برای افراد تازه کار مشکل است و باید چشم و ذهن در اثر تجربه به آنها مانوس شود، تا شخص قادر به خواندن کامل این‌گونه موارد گردد.

بسیار حائز اهمیت است که این مهرها و یادداشت‌ها خوانده شوند، زیرا کشف آنها پرده از مسائلی چون دست به دست گشتن متعدد نسخه‌ها، بعضی از وقایع تاریخی و جغرافیایی، خلیقات مالکان کتاب‌ها، و بسیاری از چیزهای دیگر برمی‌دارد.

و. قطع کتاب، اندازه سطرها، تعداد سطر؛

از مواردی هستند که ذکرشان در فهرستنویسی کتاب‌های خطی معمول است. در اینکه این‌گونه عوامل چقدر برای کاربر مفید است، فی‌الجمله می‌توان اظهار داشت که گاهی فهرستنویس مجرب، و حتی محقق نسخه‌های خطی از تعداد سطرها، اندازه آن، آشنایی قبلی با متن و مقابله با نسخه‌های مشابه موجود، می‌تواند به تعداد سطرهای مفقوده یا نقص نسخه پی‌برد، و در صورت نیاز آن را بازسازی کند. البته کار تکمیل و بازسازی مربوط به فهرستنویس نیست، اما ذکر موارد نقص و کاستی‌های نسخه ضروری می‌نماید تا به پژوهشگر کمک بیشتری شود.

ز. آغاز و انجام نسخه؛

رسم بر این است که در کتاب‌های خطی ابتدا و انتهای نسخه ذکر شود. البته در نحوه و کیفیت

و کمیت نگارش آن اختلافاتی جزئی دیده می‌شود. از جمله اینکه به‌طور مثال، در آوردن انجام نسخه، عده‌ای آخرین عبارات همان نسخه را - ترقیمه کاتب - اصل قرار می‌دهند و تعدادی هم انتهای متن کتاب را در نظر می‌گیرند. برخی نیز حد وسط را رعایت می‌کنند یعنی هم انجام متن و هم انجام نسخه را متذکر می‌شوند که بحث و داوری در این زمینه به آینده موکول می‌شود.

ح. حواشی نسخه؛

اگر در حاشیه نسخه‌های خطی، مقابله و تصحیح، شرح، توضیح واژه‌ها و عبارات یا موارد دیگر درج شده باشد، فهرست‌نویس بهتر است به آنها اشاره نماید. حتی ذکر نوع شرح - مزجی، معجل یا مبسوط - نیز خالی از فایده نیست. در بعضی از کتاب‌های خطی، شرح هم‌تراز با اصل متن یا حتی بسیار مهم‌تر و معروف‌تر از آن است، بنابراین باید هیچ شرحی نادیده انگاشته نشود. به‌طور مثال: "جمال‌الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله الطائى الجیلانی" معروف به "ابن مالک نحوی (۶۰۰-۶۷۲ هـ)" هزار بیت در علم نحو سروده است که به "الفیدابن مالک" شهرت یافته است. بر این کتاب شرح‌های مهم متعددی نوشته شده که یکی از آنها شرح "عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ هـ)" می‌باشد و این شرح به "بهجة المرضیة فی شرح الالفیه" مشهور است. شاید بتوان گفت که اهمیت و میزان استفاده از این شرح کمتر از اصل متن نیست و حتی گاهی بیش از آن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. همچنین است شرح "لاهیجی" "برگلشن راز شبستری" که تقریباً همانند متن اصلی نزد اهل فن مشهور و معروف است.

د. فرسودگی فیزیکی نسخه؛

اگر نسخه‌های خطی، رطوبت‌زدگی، آب‌افتادگی، موریانه خوردگی، پارگی، و یا مواردی همانند آن داشته باشد، فهرست‌نویس آنها را در جای خود ذکر می‌کند.

کتابشناسی

شامل مطالبی است که مستقیماً^۱ به بحث محتوایی مربوط می‌شوند و می‌توان گفت بخشی از آن در مقایسه با فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی، همان موضوع دادن است. اما در واقع به‌شکلی کنترل نشده و باز، و گاهی نیز حتی جزئیات کار، از نظر دور نمی‌ماند. این موارد عمدتاً شامل توضیحات ضروری در مورد تبویب کتاب، موضوعات مطروحه، زبان، تاریخ تألیف و کتابت شرح‌های نوشته شده بر آن، و مواردی از این دست می‌باشند که اصطلاحاً به کتابشناسی مشهور است.

۱. در مباحث گذشته بیان شد که حتی موارد نسخه‌شناسی از قبیل تزئینات، خط، حلد، کاغذ و غیره نیز به نوعی غیرمستقیم ممکن است با محتوای کتاب ارتباط داشته باشد و موجب کشف حلقه‌های گمشده‌ای در ذهن فهرست‌نویس گردد.

هم اکنون در فهرست‌نویسی کتاب‌های خطی کتابخانه ملی، به‌خاطر نزدیک کردن زبان باز به شکل زبان بسته و کنترل شده علاوه بر توضیحات فوق‌الذکر، از سرعنوان‌های موضوعی فارسی و فهرست مستند مشاهیر و مؤلفان استفاده می‌شود و در ضمن شناسه‌های افزوده نیز به همان شکل استاندارد کتاب‌های چاپی، ذکر می‌گردد.

راه کارها و پیشنهادها

برای تجدید عظمت تمدن اصیل ایرانی، ناگزیریم مآثر و آثار گرانسنگ و کهنسال ایران را بهتر، جدی‌تر، و عمیق‌تر معرفی کنیم و فهرست‌نویس جامع و دقیق نسخه‌های خطی می‌تواند ثابت کند که علم، فرهنگ و هنر و تمدن ایرانی یکی از سبک‌های مستقل، با قدمت فراوان و با عظمت جهان می‌باشد که با اندیشه و دستان بزرگان این سرزمین آفریده شده است. معرفی این آثار باعث خواهد شد تا آوازه و شهرت‌شان پایدار و روزافزون بماند، به‌شرطی که با شرایط کنونی تطبیق پیدا کند و روزآمد شود.

پیشنهادهایی که نگارنده در این زمینه ارائه می‌دهد به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱. نزدیک کردن استانداردهای فهرست‌نویسی کتاب‌های چاپی و خطی؛
بحث تلفیق یا نزدیک‌نمودن استانداردهای فهرست‌نویسی فعلی کتاب‌های چاپی و کتاب‌های خطی، موانع و محدودیت‌های موجود، فواید و مضار آن و... موضوعاتی است که می‌بایست در گفتاری جداگانه و با بحث‌های دقیق کارشناسی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا به نتیجه‌ای مطلوب بینجامد.
۲. توجیه و تبیین این مسئله که استفاده و ارتباط با آثار قدما، امری ضروری است.
۳. انجام نشست‌هایی مشترک، متشکل از فهرست‌نویسان کتاب‌های خطی و چاپی و تجزیه و تحلیل موارد مورد اتفاق و اختلاف و استفاده از نظرات یکدیگر در جهت بهینه‌سازی امر فهرست‌نویسی کتاب‌های خطی.
۴. آموزش روزآمد، یکدست و متحول شده در زمینه‌های تخصصی کتاب‌های خطی؛
با توجه به اینکه از هنرهای گوناگون در بخش نسخه‌شناسی و از علوم و فنون مختلف در کتابشناسی کتاب‌های خطی استفاده شده است، لازم می‌نماید که در قسمت نسخه‌شناسی مطالبی که قبلاً ذکر آن گذشت به‌نحوی ساده و جذاب به کتابداران علاقه‌مند آموزش داده شود و همچنین در قسمت کتابشناسی بسیار مطلوب است که کتابداران، متخصص موضوعی در یک یا چند زمینه مورد علاقه خود باشند تا در معرفی محتوایی آثار خطی با مشکل مواجه نشوند.

۵. ایجاد زمینه‌هایی مساعد برای جذب و استفاده از تجربیات استادان و فهرست‌نویسان با تجربه به کتاب‌های خطی در زمینه آموزش دادن به افراد علاقه‌مند در سطح مراکز آموزش عالی کشور.
۶. برخورد درست و مطلوب مسئولان گنجینه‌های کتاب‌های خطی و فهرست‌نویسان قدیمی و مجرب با جوانان کتابدار و غیرکتابدار، و پاسخ‌گویی به سؤالات احتمالی‌شان در زمینه‌های گوناگون، تا با ایجاد رابطه‌ای دوستانه و صمیمی، اضطراب کاذب مراجعان جوان در زمینه پرسش و نزدیک شدن به کتاب‌های خطی، فهرست‌ها و منابع و مراجع آن از بین برود و راه برای ادامه پژوهش‌های آنان هموارتر گردد.

۷. از میان برداشتن بعضی از غرض‌ورزی‌های شخصی و لزوم درک متقابل نسبت به جایگاه و منزلت واقعی هر دو مقوله - کتاب‌های خطی و چاپی - از سوی پیشکسوتان؛ تا این شکاف‌ها و اختلافات بعضاً غیرعلمی و تخصصی به نسل جوان منتقل نگردد و برخورد صحیح، عاطفی و درست کتابدارانه - آن‌طور که خود این استادان و پیشکسوتان در کلاس‌ها به دانشجویان آموزش می‌دهند - زیر سؤال نرود.

چون غرض آمد هنر پوشیده شد صدحجاب از دل به‌سوی دیده شد

۸. لزوم استفاده از فن‌آوری و علم اطلاع‌رسانی، در جهت معرفی هرچه بیشتر و بهتر کتاب‌های خطی و ویژگی‌های علمی و تخصصی آن در سطح ملی و بین‌المللی.
اکنون بسیاری از مباحث در جوامع غربی در زمینه حفظ، احیا و معرفی میراث ارزشمند گذشته و نسخه‌های خطی کهن به نتیجه رسیده و حل شده است.

در کشور ما که از نظر کیفیت، کمیت، و قدمت نسخه‌های خطی بر بسیاری از دیگر ملل ارجحیت دارد با مشکلات اساسی مفهومی و جایگاهی مواجه است و حتی متأسفانه موانعی عمیق در زمینه شناسایی، تبلیغ و معرفی نسخه‌های موجود می‌باشد که باید در بدو امر آنها را مورد بررسی قرار داد و به نتیجه‌ای مطلوب رسید تا در قدم‌های بعدی بتوان در سطحی مطابق با استانداردهای موجود در حوزه ملی و بین‌الملل برایشان اقداماتی صورت داد.

۹. انتقال تجربیات ذیقیمت کتابداران، کتابشناسان، و فهرست‌نویسان کتاب‌های خطی بعضاً دیده می‌شود که استادان مجرب و زحمت کشیده قدیمی، دانش و تجربیات گرانبهای خود را به آسانی در اختیار دانش پژوهان جوان و علاقه‌مندان به کار در زمینه کتاب‌های خطی قرار نمی‌دهند. البته آنان هم دلایلی منطقی برای خود دارند، از جمله اینکه می‌خواهند هر مطلبی را به اهلش بسانند و یا اینکه مورد احترام واقع شوند و سرمایه گرانبهای عمر عزیزی را که در این راه صرف کرده‌اند، نادیده انگاشته نشود و... اما اگر مقصود این پیشکسوتان عزیز و دانشمند حاصل آمد، دیگر نباید در مسیر انتقال دانش و تجربه خود به جوانان سد ایجاد کنند.

بدیهی است که مسئولان امر می‌بایست شرایطی را فراهم آورند که این تعامل به حد اعلای خود برسد، چه اینان سرمایه‌های انسانی ارزشمند و ذی‌قیمتی هستند که شاید تا سالیان سال همانندشان پیدا نشود؛ اما متأسفانه امروزه به علل گوناگون - که اکثراً بدون توجیه منطقی است - از حوزه عمل واقعی خود، دور افتاده‌اند. آیا در آینده می‌توانیم پاسخ‌گوی ضرری باشیم که از اتلاف سرمایه عظیم نیروی انسانی، متوجه نسل پژوهشگر و علاقه‌مند جوان این کشور، کرده‌ایم؟ امید که بتوانیم به نحوی شایسته و مطلوب آثار گرانبها و بعضاً بی‌همتای کتاب‌های خطی را از گنجینه‌های متروک کتابخانه‌ها بیرون آوریم و با رعایت اصول صحیح حفاظت و مراقبت کامل، نسخه‌ها را در دسترس اهل ذوق، عالمان و هنرشناسان صاحب‌نظر قرار دهیم و آنان نیز از این رهگذر به نوبه خود در هر چه بیشتر و بهتر شناساندن این کتاب‌های ارزشمند به پژوهندگان جوان، گام‌های مؤثرتری بردارند.

مآخذ

۱. مایل هروی، نجیب. نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹. ص. ۳۳-۳۴.
۲. همان. ص. ۱۱۰-۱۱۴.
۳. فضائلی، حبیب‌الله. اطلس خط. اصفهان: انجمن آثار ملی اصفهان، ۱۳۵۰. ص. ۲۴۰-۲۴۲.
۴. مایل هروی، نجیب. نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹. ص. ۱۱۴-۱۱۵.
۵. مجرد ناکستانی، اردشیر. شیوه تذهیب. تهران: سروش، ۱۳۷۲. ص. ۲۶.
۶. مایل هروی، نجیب. نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹. ص. ۱۱۰-۱۱۸.
۷. بیانی، مهدی. کتابشناسی کتاب‌های خطی، به کوشش حسین محبوبی اردکانی. [تهران]: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳. ص. ۳۲-۳۱.
۸. همان. ص. ۱۹-۲۰.
۹. یادداشت‌های شخصی.